

مفهوم پول و اعتبار در بانکداری اسلامی

سجاد قمری فام ۱، مهدی عادل ۲ و مرتضی مرتضوی کاخکی ۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد گرایش بانکداری اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی
(Gh.sajjad1375@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد گرایش بانکداری اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۳. استادیار اقتصاد دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Mortazavi.k@gmail.com)

چکیده

بحران‌های اخیر مالی و بانکی در دنیا، سبب بروز نگرانی‌هایی در میان اقتصاددانان در ارتباط با عدم کارایی بانکداری متعارف شده است. در بانکداری متعارف، بانک‌ها از طریق خلق اعتبار و خلق پول، سبب افزایش نقدینگی و تقاضا کاذب و در نتیجه بسیاری از پیامدها نابسامان اقتصاد از جمله تورم، بیکاری، توزیع ناعادلانه، رکود و ... شده‌اند. در طی دهه‌های اخیر تئوری‌های مختلفی در ارتباط با نظام بانکداری شکل گرفته است: (۱) تئوری واسطه‌گری مالی بانک‌ها (۲) تئوری اصل ذخیره جزئی و (۳) تئوری خلق اعتبار. شواهد تجربی نشان می‌دهد که تئوری سوم، بر تئوری اول و دوم ارجحیت دارد. نگاه کالایی و نه اعتباری به پول، عدم اطلاع از فرآیند خلق پول بانک‌ها و در نظر گرفتن بانک به عنوان نهادی که تنها واسطه وجوه است، سبب شده نظریات بسیاری از اندیشمندان مسلمان درباره بانکداری اسلامی، کارایی لازم را نداشته باشد و یا مبتنی بر موازین اسلامی نباشد. گام اول در طراحی بانکداری اسلامی، شناخت صحیح از ماهیت پول اعتباری و بانک به عنوان نهاد خلق کننده پول است. با پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، ضرورت اصلاح نظام اقتصادی کشور بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام مورد توجه مسئولین کشور قرار گرفت. با توجه به این که بانک‌ها از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور هستند، اصلاح نظام بانکی به عنوان یکی از اولویت‌های مهم کشور مطرح شد.

کلمات کلیدی: پول، اعتبار، بانکداری اسلامی

مقدمه

خلق پول کاغذی و اعتباری و نظام بانکی مبتنی بر اصل ذخیره جزیی و شکل گیری بازار بدهی (بازار اوراق قرضه)، از مهم ترین نوآوری های تاریخ بشر محسوب می شوند. به عبارت دیگر، بر اساس مشاهدات تاریخی می توان بیان کرد که انقلاب مالی مقدم بر انقلاب صنعتی بوده است. نقش مهم پول و اعتبار و کاهش ارزش آن توسط بسیاری از اقتصاددانان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. جان مینارد کینز با استناد به لنین بیان می کند که: «برای اضمحلال اساس جامعه، عملی هوشمندانه تر و اطمینان بخش تر از بی اعتبار کردن پول نیست» (فرگوسن، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹). از این رو، پول یکی از ارکان اصلی تمدن بشری در نظر گرفته شده است و کاهش ارزش آن از طریق فعالیت های بانکی و اعتباری می تواند منجر به پیامدهای نامطلوبی از جمله کاهش رشد اقتصادی، بی ثباتی اجتماعی، تورم افسار گسیخته، نابرابری و ... شود.

بحران های مالی در کشورهای پیشرفته جهان در طی دهه های اخیر و به خصوص بحران پولی و بانکی سال ۲۰۰۸، توجهات اقتصاددانان و محققین را بیشتر به سمت اصلاح نظام پولی و بانکی سوق داده است. با وجود پیشرفت دانش علم اقتصاد و حرکت رو به جلوی آن در بسیاری از شاخه ها، به نظر می رسد که نظام بانکی و نظام پولی در حال حرکت به یک مسیر نامطلوب و بی ثبات کننده است که می تواند سبب تشدید بسیاری از نابسامانی های اقتصادی و عدم تعادل متغیرهای کلان اقتصادی شود. از این رو این سؤال در ذهن ایجاد می شود که چه عملکردی و چه اهدافی را بانک ها دنبال می کنند که باعث این برهم خوردن نظم اقتصادی می شود و آیا نظام بانکداری اسلامی توجه ویژه ای به آن داشته است؟

تا قبل از بحران ۲۰۰۸، تفکر قالب در میان اقتصاددانان این بود که نگران بانک ها نباشیم و متفکرین اقتصاد کلان مدرن، بانک ها را به راحتی وارد مدل های پیچیده اقتصادی نمی کردند و توجهات کم و محدودی روی ساختار متفاوت سیستم بانکی در مدل های اقتصادی داشتند. دلیل اصلی این موضوع که چرا بخش بانکی و نقش آن توسط اقتصاددانان مورد چشم پوشی قرار گرفته است، شاید در این باشد که این دسته از محققین نقش بانک ها را عمدتاً به عنوان واسطه های مالی مورد توجه قرار می دادند.

حضرت امام خمینی (ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب بر اسلامی شدن بانک ها و حذف ربا از نظام بانکی کشور تاکید کردند. ایشان در تاریخ ۲۱ فروردین سال ۵۸ در دیدار با گروهی از نمایندگان کارکنان بانک صادرات ایران فرمودند: «باید این بانک هایی که در ایران هست، متحول بشوند از صورت طاغوتی که رباگیری و رباخواری است به صورت اسلامی ان شاء الله. من از اینکه شما بنای بر این مطلب گذاشتید که متحول کنید صورت طاغوتی را به صورت اسلامی و بانک اسلامی در سراسر کشور تاسیس کنید متشکرم؛ لکن منتظرم که بینم عمل چیست. آیا در عمل هم همین طور است؟ باز اموری که سابق انجام می گرفت انجام می گیرد یا خیر؟ تحول در محتوا هست؛ ما با اسم خیلی کار نداریم، با محتوا کار داریم. محتوا باید اسلامی بشود. امام خمینی در جلسه با مسئولین اقتصادی کشور در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۶۳ نیز فرمودند: «اگر ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواستہ باز در بانکش باز در تجارتش در بین مردمش باشد، ما نمی توانیم بگوییم که جمهوری مان جمهوری اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان و علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند. دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند و ملت هم باید توجه بکنند که مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می فرماید: (فادنوا بحرب من الله و رسوله) اعلام جنگ بکنید با خدا و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست، رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می مانند و می نشینند توی خانه ها و پولشان برایشان کار می کند و حال آنکه پول نباید کار بکند. به منظور حذف ربا از نظام بانکی کشور و حرکت به سوی بانکداری اسلامی، قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در تاریخ ۸ شهریور سال ۶۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب و ۱۰ شهریور همان سال به تایید شورای نگهبان رسید. با گذشت بیش از ۳ دهه از تصویب و اجرای این قانون، بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که این قانون در دستیابی به اهداف خود ناموفق بوده و ربا در عمل از نظام بانکی کشور حذف نشده است. کارشناسان دلایل مختلفی را برای حذف نشدن ربا از نظام بانکی کشور و عدم تحقق بانکداری اسلامی ذکر

می کنند. اما به نظر می رسد مهم ترین و ریشه ای ترین دلیل تحقق نیافتن بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا، عدم شناخت درست ماهیت پول مدرن و ماهیت بانک است.

پیشینه پژوهش

بدون شک شهید سید محمد باقر صدر یکی از پیشگامان و تأثیر گذارترین اندیشمندان اسلامی در حوزه مطالعات بانکداری اسلامی است. شهید صدر (۱۳۸۸) در کتاب «البنک اللاربوی» یا همان بانکداری بدون ربا به دنبال ترتیبات بانکی بوده است که در آن ربا نباشد. در این کتاب شهید صدر بحث مستقلی درباره ماهیت بانک متعارف یا ربوی ندارد؛ اما در متن کتاب عبارت هایی از سوی شهید صدر بیان شده است که تلقی ایشان را از بانک یا همان بانک ربوی مشخص می کند. مهمترین فعالیت های بانک ربوی، عبارت از قرض گرفتن با بهره یا بدون بهره و سپس قرض دادن با بهره بالاتر است و در آمد بانک ربوی از تفاوت بین دو نرخ بهره حاصل می شود. اهمیت بانک ربوی در اقتصاد کنونی ناشی از توانایی آن در جمع آوری سرمایه های سرگردان به وسیله بهره اعطایی به سپرده گذاران و ارائه سرمایه ها به فرصت های سرمایه گذاری در قالب اعطای قرض به فعالان اقتصادی و طرح هایی که نیاز به تأمین مالی دارند، می باشد. (صدر، ۱۳۸۸، ص ۳۱). در این عبارت اگر چه ماهیت بانک به صورت مشخص بیان نشده، اما مهمترین فعالیت بانک را نقش واسطه گری بانک میان سپرده گذار و وام گیرنده می داند. شهید صدر در الگویی پیشنهادی خود از بانک بدون ربا تغییراتی از حیث رابطه سپرده گذار و سرمایه گذار با بانک ایجاد می کند، اما خود تأکید دارد که در این چارچوب نیز نقش واسطه گری بانک حفظ می شود. او یکی از ویژگی های اصلی الگوی بانکداری بدون ربا را گرایش به حفظ ماهیت واسطه گری و جایگاه قانونی آن در نقشی که بین سپرده گذاران و سرمایه گذاران بازی می کند، می داند (صدر، ۱۳۸۸، ص ۳۶). بر این اساس از منظر شهید صدر بانک ربوی یک نهاد مالی است که نقش اساسی آن واسطه گری میان سپرده گذاران و فعالان اقتصادی متقاضی تأمین مالی می باشد. نکته حائز اهمیت آن است که شهید صدر به بحث خلق پول بانک در قالب رویکرد ضریب فزاینده پولی و با رویکرد پول درون زا اشاره ای نکرده است.

توتونچیان (۱۳۷۹) که در تدوین قانون بانکداری بدون ربا ایران نقش اساسی داشته است در کتاب «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری» درباره ماهیت پول، سرمایه، سود و بهره مستقلاً بحث کرده است، اما بحثی از ماهیت بانک در نظام سرمایه داری ندارد. او در فصل سوم کتاب خود و در ذیل عنوان نحوه عمل بانکداری سرمایه داری و اسلامی به ماهیت واسطه گری بانک ربوی اذعان می کند «بانک ربوی از یک طرف وام می گیرد و از طرف دیگر وام می دهد، یعنی در ماهیت حقوقی پول هیچ گونه تغییری ایجاد نمی کند، بنابراین واسطه وجوه است.

بیدآباد (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی اوراق قرضه غیر ربوی (ریالی و ارزی) و ابزارهای پولی بانکداری مرکزی بدون ربا پرداخته است. ربوی بودن اوراق قرضه شرعاً اجازه نمی دهد تا این اوراق در بانکدار مرکزی بدون ربا مورد استفاده واقع شود، از این رو مهمترین ابزارهای ساست های پولی در نظام بانکی بدون ربا غیر قابل استفاده می باشد. این موضوع به این معنی است که بانکداری مرکزی بدون ربا فاقد قابلیت های تنظیمات پولی برای اقتصاد است. حل این معضل اساسی با سه دهه فعالیت بانک مرکزی ایران نقطه عطفی در اجرای سیاست های بانکداری غیر ربوی در ایران خواهد بود. این مقاله با معرفی اوراق قرضه غیر ربوی در اشکال مختلف اوراق قرضه بانک مرکزی، اوراق قرضه بانکی، اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه تجاری در دو نوع اوراق ارزی و ریالی به عنوان جایگزین اوراق قرضه متعارف سازو کارو چرخه ابزارهای مالی اسلامی را تکمیل نموده و زیر ساخت های توسعه بازارهای مالی چه در داخل و چه در خارج کشور را فراهم می نماید. خصوصیات بارز این اوراق مبتنی بر دارایی و فاقد هرگونه کاپن جهت پرداخت سود از پیش تعیین شده مقطعی و بر پایه «قرض معادل وام آتی» و یا «وام معادل قرض آتی» با «حق برداشت زمانی» است که در اختیار طرف مقابل قرار داده می شود و بازار اولیه آن را شکل می دهد. بازار ثانویه مبتنی بر فن آوری اطلاعات بر بستر زیر سیستم طراحی شده که خریدار با بالاترین قیمت رقابتی پیشنهادی مالک این اوراق خواهد بود. عدم تعیین قیمت پایه کمتر از قیمت اسمی و جایگزینی اوراق قرضه متعارف و تثبیت بازارهای پولی و ارزی از جمله خصوصیات بارز این ابداع مالی می باشد.

حسینی دولت آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی آثار بخشی سیاست پولی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا پرداخته است. ربوی بودن اوراق قرضه شرعاً اجازه نمی دهد تا این اوراق در بانکدار مرکزی بدون ربا مورد استفاده واقع شود، از این رو مهمترین ابزارهای سیاست های پولی در نظام بانکی بدون ربا غیر قابل استفاده می باشد. این موضوع به این معنی است که بانکداری مرکزی بدون ربا فاقد قابلیت های تنظیمات پولی برای اقتصاد است. حل این معضل اساسی با سه دهه فعالیت بانک مرکزی ایران نقطه عطفی در اجرای سیاست های بانکداری غیر ربوی در ایران خواهد بود. این مقاله با معرفی اوراق قرضه غیر ربوی در اشکال مختلف اوراق قرضه بانک مرکزی، اوراق قرضه بانکی، اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه تجاری در دو نوع اوراق ارزی و ریالی به عنوان جایگزین اوراق قرضه متعارف سازو کارو چرخه ابزارهای مالی اسلامی را تکمیل نموده و زیر ساخت های توسعه بازارهای مالی چه در داخل و چه در خارج کشور را فراهم می نماید. خصوصیات بارز این اوراق مبتنی بر دارایی و فاقد هرگونه کوپن جهت پرداخت سود از پیش تعیین شده مقطعی و بر پایه «قرض معادل وام آتی» و یا «وام معادل قرض آتی» با «حق برداشت زمانی» است که در اختیار طرف مقابل قرار داده می شود و بازار اولیه آن را شکل می دهد. بازار ثانویه مبتنی بر فن آوری اطلاعات بر بستر زیر سیستم NSSSS طراحی شده که خریدار با بالاترین قیمت رقابتی پیشنهادی مالک این اوراق خواهد بود. عدم تعیین قیمت پایه کمتر از قیمت اسمی و جایگزینی اوراق قرضه متعارف و تثبیت بازارهای پولی و ارزی از جمله خصوصیات بارز این ابداع مالی می باشد.

سبحانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به تبیین نظام پولی و اعتباری در بانکداری اسلامی پرداخته است. بند اول ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ که "استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با (ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور" را از اهداف نظام بانکی مقرر کرده است، برای ارزیابی شدن به معیارها و ضوابطی نیاز دارد، که بنظر می رسد از طریق آن ها می توان توفیق این نظام را در نیل به اهداف تعریف شده برای آن سنجش نمود. در این پایان نامه ضمن معرفی معیارهایی از قبیل «کارایی اقتصادی»، «فرصت برابر برای استحقاق-های برابر در دسترسی به تسهیلات بانکی» و «اولویت اعطای سپرده های قرض الحسنه در راستای تسهیلات قرض الحسنه» به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی، و معیارهای «حفظ ارزش پول ملی»، «شفافیت اطلاعات» و «نظارت» به عنوان اصول عدالت صیانتی، معیار «توازن عناصر نظام بانکی» به عنوان عدالت در جایگاه توازن بین عناصر یک مجموعه، همچنین پرداختن به نحوه تعیین نرخ سود و حق الوکاله عادلانه در نظام بانکی، نشان داده شده است که در عمل کارکرد نظام بانکی در ارتباط با پیگیری و تأمین این هدف چگونه بوده است. براساس نتایج این پژوهش؛ شاخص های محاسبه شده جهت ارزیابی معیار «اعطای تسهیلات بانکی بر مبنای کارایی اقتصادی» به طور کلی بیانگر توجه نه چندان جدی سیاستگذاران نظام بانکی به این مسئله بوده است. میانگین نسبت تسهیلات قرض الحسنه به سپرده های قرض الحسنه در حدود ۴۳ درصد بوده است. معیار حفظ ارزش پول ملی نیز رعایت نشده است. بررسی دو اصل شفافیت و نظارت، حاکی از نارسایی های در این زمینه است که به عنوان نمونه مطالبات معوق و سررسیدگذشته بالا، گواهی بر این مدعا است. همچنین عناصر نظام بانکی ایران از توازن مناسبی برخوردار نبوده اند، که به طور عمده دولت در این زمینه مهمترین عامل بر هم خوردن این توازن بوده است.

باقرپور (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی ارزیابی سیاست های پولی در نظام بانکداری بدون ربا در ایران پرداخته است. هدف از این مقاله بررسی فرایند انتقال سیاست پولی از کانالی اعتباری می باشد به دلیل ماهیت غیر ربوی در نظام بانکداری ایران و عدم دسترسی به اطلاعات نرخ بهره ی حقیقی، از رخ سپرده ی قانونی به جای شاخص سیاست پولی استفاده شد. به منظور بررسی تاثیر سیاست پولی بر حجم اعتبارات، سپرده های بانکی و نقدینگی نظام بانکی کشور، سه مدل جداگانه برای هر کدام از سه متغیر وابسته ی تحقیق با روش داده های ترکیبی پانل دیتا در بازه ی زمانی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ تخمین زده شد. نتایج کلی حاصل از تخمین مدل ها نشان داد شاخص سیاست پولی نرخ سپرده قانونی، بر روی نرخ رشد حجم سپرده ی بانک ها و ماند تسهیلات اعطایی، اثر منفی داشته و بر روی نقدینگی کشور اثر مثبت می گذارد. یعنی کاهش نرخ سپرده قانونی در قالب یک

سیاست پولی انبساطی باعث افزایش حجم سپرده ها و تسهیلات اعطایی بانک ها می گردد. بنابراین وجود کانال اعتباری سیاست پولی در ایران تایید می شود، اما از آن جا که این اثر بسیار ناچیز است، می توان گفت کارایی سیاست پولی و کارکرد کانال اعتباری نامطلوب است. طبق نتایج تحقیق، تولید ناخالص داخلی روی نرخ رشد مانده تسهیلات اعطایی اثر منفی داشته و به طور مثبت بر نرخ رشد مانده سپرده بانکی و نرخ رشد نقدینگی اثر می گذارد. ضریب شاخص سیاست پولی نرخ سپرده قانونی اثر مثبت بر روی نقدینگی کشور دارد سپرده های جاری بانکی نیز اثر مثبت و معنی داری در تسهیلات اعطایی بانک ها دارد. ارزش سرمایه ای بانک ها و دارایی آن ها اثر قابل توجهی بر نظام بانکی کشور نداشته است.

عبدالرحیمیان (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی اوراق بهادار استصناع ابزاری برای تامین مالی و سیاست پولی پرداخته است. در حال حاضر بانکها و بنگاههای اقتصادی ایران به دلیل بروز مشکلاتی در اقتصاد با کمبود نقدینگی مواجه هستند. یکی از فرصتهای پیشروی نظام بانکی، تنوع بخشی و توسعه شیوه ها و ابزارهای نوین تامین مالی برای گذر از این معضل است. نظر به ممنوعیت بهره در اقتصاد اسلامی و به تبع آن تغییر قانون عملیات بانکی ایران، عملکرد سیاست بازار باز که بر خرید و فروش مبتنی است، کارایی نداشته و اساسی ترین ابزار سیاست پولی برای کنترل نقدینگی از اختیار بانک مرکزی خارج شد. اوراق بهادار استصناع میتواند ابزاری جایگزین برای اوراق قرضه تلقی شود و بانک مرکزی میتواند با خرید و فروش این اوراق در بازار اولیه و ثانویه و با اعمال سیاستهای پولی مناسب، به اهدافی نظیر ایجاد اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمتها، بهبود موازنه پرداختهای خارجی و رشد اقتصادی دست یابد. مقاله حاضر ضمن تبیین عقد استصناع و بیان ماهیت آن از نظر فقهی به تصحیح آن پرداخته، سپس کیفیت به کارگیری آن در اقتصاد کشور و چگونگی به کارگیری بانک مرکزی از اوراق استصناع برای اهداف اقتصادی را تبیین میکند.

مجاهدی موخر (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقد و بررسی دلالتها، چالشها و راهکارهای بانکداری متعارف در اقتصاد ایران پرداخته است. اقتصاد ایران در شرایط کنونی در اثر تشدید تحریمهای بین-المللی به ویژه محدودیتهای- ایجاد شده در حوزههای تأمین مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می-کند. تأثیر تحریمها- به مثابه یک جنگ همه جانبه اقتصادی در ایجاد آشفتگی مالی ضمن این-که نتوانسته است مسیر سیاست گذاری-های اقتصادی را در حوزه انتشار پول و اعتبار و کارکرد نهادهای بانکی تصحیح کند؛ طیفی از نهادهای عمومی و خصوصی را در بهره گیری از فرصت-های سودآور بازار آشفته، در بستر اعمال تحریم تحریض نموده است. ادامه سیاستهای انبساط مالی شامل گسترش بانکها و مؤسسات خصوصی اعتبار، تداوم سیاستهای انبساطی پولی و اعتباری، اتخاذ رویکردهای متناقض در جذب و کنترل نقدینگی ایجاد می-کند تا ضمن ارائه پیشنهادها کاربردی در حوزه بانکی در شرایط امروز کشور، با تبیین اندیشه های مخالف جهت ایجاد اقناع فکری (فارغ از مقاومت های غیرعلمی منفعت جویانه) به ارائه راهکاری مناسب برای جامعه دست پیدا کرد. در همین راستا و نیل به اهداف فوق، دلالت های وارده بر اشکالات نظام بانکداری متعارف که در نظام بانکی کشور نیز مشهود است، مورد بررسی قرار می گیرد. این دلالت ها شامل: مدل مطلوب بانکداری، بانکداری متعارف، عدم تعادل و تثبیت رکود، دارایی کمتر از حجم بدهی بانکی، سود سرشار خلق اعتبار، خلق پول و توزیع درآمد است. در ادامه به مقایسه برنامه های توسعه ای کشور در زمینه این اشکالات و تناقض های سیاست های برنامه ای با توجه به دلالت های پنج گانه آشکار شده، پرداخته می شود. در نهایت، بسته سیاستی و راهکارهای لازم برای عبور از چالش های بانکداری متعارف نیز پیشنهاد می شود.

ایزدی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی و تمرکز بر سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا و لزوم ایجاد بازار هماهنگ مبتنی بر اعتقادات کشور های اسلامی در جهان پرداخته است. با توجه به ضرورت وجود بانک در صحنه اقتصاد از یک سو و آلوده بودن بانک ها به ربا و از سوی دیگر، فعالان اقتصادی و متفکران مسلمان را به فکر ایجاد و تاسیس نظام بانکی در چارچوب اصول اسلام به عنوان جایگزین بانک های سنتی انداخت. این مقاله به دنبال یافتن ابزارهای سیاستهای پولی در بانکداری بدون ربا است و در این زمینه به بررسی نظریات مسلمانان در داخل و خارج از ایران پرداخته و اثر سیاستهای پولی بر اقتصاد را بررسی می کند. این مقاله به شرح دو موضوع می پردازد: موضوع اول، بررسی تمرکز بر بانکداری بدون ربا و راه های جذب تسهیلات اعطایی از منظر

اندیشمندان اسلامی مطرح می‌گردد و موضوع دوم با توجه به اهمیت، به شرح سیاستهای پولی در این سیستم و ایجاد بازار هماهنگ مبتنی بر اعتقادات کشورهای اسلامی می‌پردازد. این مقاله در پایان، ابزاری از سیاستهای پولی را که به صورت ویژه روی این مکانیزم اثر می‌گذارند، نشان داده و نتایج حاصل از لزوم بازار سازی و همگرایی کشور های جهان اسلام را که یک ضرورت است نشان می‌دهد.

بانک ها خالق پول هستند، نه واسطه وجوه

پول در گذشته دارای پشتوانه کالایی بوده و ارزش ذاتی داشته است. اما پول در دوران امروز اعتباری یا بدون پشتوانه است و ارزش ذاتی ندارد. پول اعتباری توسط دولت ها منتشر می‌شود و هیچ پشتوانه کالایی مثل طلا یا نقره برای آن وجود ندارد؛ بلکه پشتوانه آن اعتبار دولت و بانک مرکزی است. پول اعتباری با توجه به ماهیت خود به آسانی و به هر مقداری قابل چاپ است و می‌توان آن را از هیچ خلق کرد. با توجه به ماهیت پول اعتباری و بر اساس رویکرد درونزا به خلق پول، بانک های مدرن نهادهایی هستند که می‌توانند از هیچ خلق پول کنند و برای اعطای تسهیلات نیازی به جذب سپرده ندارند. در واقع، بانک ها نهادهای واسطه وجوه نیستند؛ بلکه از هیچ خلق پول می‌کنند.

ضعف نظریات اندیشمندان مسلمان درباره بانکداری اسلامی

عدم درک صحیح از ماهیت پول و بانک سبب شده است که نظریات بسیاری از اندیشمندان مسلمان درباره بانکداری اسلامی کارایی لازم را نداشته و یا مبتنی بر موازین اسلامی نباشد. اقتصاددانان مسلمان دارای نگاه کالایی به پول هستند و بانک متعارف را به عنوان یک نهاد واسطه صرف در نظر می‌گیرند که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی، خلق پول می‌کند. در رویکرد ضریب فزاینده، بانک بخشی از سپرده هایی را که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره به دست آورده است، به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را تحت قرارداد قرض و در قبال دریافت بهره در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک متعارف، آنچه با آموزه های اسلام در تعارض قرار می‌گیرد، عقد قرض مبتنی بر ربا است. بنابراین در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان بانک با سپرده گذار و تسهیلات گیرنده، بانک بدون ربا یا اسلامی خواهیم داشت. بر اساس این رویکرد، بانک بدون ربا یا اسلامی وکیل سپرده گذار و شریک سرمایه گذار در عقود مشارکتی است. این رویکرد مبنای تدوین قانون عملیات بانکداری بدون ربا قرار گرفته است. در این قانون تلاش شده است که فرآیند تجهیز و تخصیص منابع بانکی تحت عقود شرعی قرار گیرد و هیچ اشاره ای به خلق پول بانک های تجاری و تنظیم آن نشده است. این در حالی است که بانک ها در واقعیت می‌توانند به صورت مستقل و از هیچ خلق پول کنند. بنابراین علاوه بر مسائلی که در خصوص قرض ربوی وجود دارد، سوالات مهم و اساسی تری در خصوص ماهیت پول اعتباری و خلق پول بانک ها قابل طرح خواهد بود که باید در مطالعات بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

شناخت ماهیت پول و بانک، گام اول در طراحی بانکداری اسلامی

گام اول در طراحی بانکداری اسلامی، شناخت صحیح ماهیت پول و بانک است. بنابراین اولین و مهم ترین سوالی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا اسلام، پول اعتباری و بانک به عنوان نهاد خلق کننده پول از هیچ را می‌پذیرد یا خیر؟ و چه موضعی نسبت به آن دارد؟

در صورتی که اسلام با پول اعتباری و بانک به مثابه نهاد خلق کننده پول مخالفتی نداشته باشد، در مرحله بعد این سوال مطرح می‌شود که الزامات مالکیتی و مدیریتی بانک از نظر اسلام چیست؟ به عبارت دیگر، آیا بانکی که امکان خلق پول از هیچ را دارد، می‌تواند در مالکیت بخش خصوصی باشد؟ و آیا مدیریت پول خلق شده جدید می‌تواند تماما در اختیار بخش خصوصی باشد یا حاکمیت باید درباره آن تصمیم بگیرد؟

همچنین با پذیرش دیدگاه خلق پول، تعریف ها درباره عملیات بانکی یا سپرده در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین نامه ها و دستورالعمل های ذیل آن به اصلاح نیاز خواهد داشت. زیرا تعریف عملیات بانکی به «دریافت سپرده و به کارگیری آن در قالب

اعطای تسهیلات» با ماهیت عملیاتی بانک در عرصه نظام بانکی مدرن سازگار نیست. به علاوه، از آنجا که بانک افزون بر دریافت سپرده، امکان خلق سپرده را نیز دارد، تعریف سپرده به عنوان «وجهی که از عموم دریافت می شود»، درست نخواهد بود. بیش از چهار دهه از تأسیس بانک های بدون ربا در کشورهای اسلامی می گذرد. بانکهای بدون ربا با بانک های اسلامی با هدف ابتدای فعالیت های بانکهای متعارف که پیشتر به جوامع اسلامی راه یافته بودند) بر شریعت اسلام ایجاد شدند. در این راستا با توجه به حرمت شدید ربا در اسلام و حضور پر رنگ ربا در قواعد و ترتیبات بانکی، تمرکز اصلی مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از ترتیبات بانکداری متعارف قرار گرفت. در حال حاضر بانک های اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی حضور دارند.

قدم اول در اسلامی کردن بانک ها با طراحی بانکداری اسلامی تحلیل ماهیت بانک و به بیان دیگر شناخت صحیح موضوع است. این که بانک چیست و نقش و کارکرد اصلی آنچه می باشد دلالت های مهمی در طراحی ترتیبات یک بانک اسلامی خواهد داشت. با توجه به حضور بانکهای متعارف و برقراری نظام بانکداری غربی در کشورهای اسلامی، نوع نگاه اندیشمندان مسلمان از ماهیت بانک متعارف و جایگاه و وظایف آن در نظام اقتصادی دارند، نقش اساسی در شکل گیری مدل های بانکداری اسلامی و البته کار کرد و کارایی آن در اقتصاد کشورهای اسلامی خواهد داشت. عدم درک صحیح از ماهیت بانک باعث خواهد شد که با ساختار پیشنهادی کارایی نداشته باشد و یا مبتنی بر موازین اسلامی نباشد.

بر این مبنای سؤال اساسی که می توان طرح کرد این است که تلقی و نهم اقتصاد دانان مسلمان از ماهیت بانک و جایگاه آن در اقتصاد با آنچه بانک ها در واقعیت اقتصادی انجام می دهند، مطابقت دارد. در این مقاله تلاش خواهد شد تا نوع نگاه اقتصاد دانان مسلمان به ماهیت بانک متعارف بر اساس آثار ایشان مورد بررسی قرار گرفته و مورد راستی آزمایی قرار گیرد. بدین منظور در بخش دوم مقاله ماهیت بانک متعارف و جایگاه آن در نظام اقتصادی تحلیل خواهد شد.

تحولات بانک در طول تاریخ

منشأ بانک ها به مکان هایی بر می گردد که در ابتدا به عنوان محلی برای حفظ مسکوکات و اشیاء قیمتی مردم استفاده می شدند. مردم برای تأمین امنیت پول های طلا و نقره خود، آنها را به عنوان امانت و در قبال پرداخت هزینه نگهداری به مکان هایی که برای این منظور ایجاد شده بود، می سپردند. به مرور زمان محافظان مسکوکات طلا و نقره دریافتند که می توانند با در نظر گرفتن زمان احتمالی مراجعه صاحبان مسکوکات طلا و نقره، آنها را در قبال بهره به افراد متقاضی وام دهند. در این شرایط با توجه به ماهیت پول که در آن دوره به صورت مسکوک فلزی بود، این عملیات اثر حقیقی بر اقتصاد نداشت، چرا که تنها منابع پولی از یک فرد به فرد دیگر انتقال می یافت (جکسون و دی سون"، ۲۰۱۲، ص ۳۲). چنین نهادی به عنوان یک نهاد واسطه مالی عمل می کرد و وجوهی را از فرد یا افرادی به افرادی دیگر انتقال می دهند. اما آیا ماهیت بانکهای مدرن با این بانک های اولیه یکی است؟ محافظان یا همان بانکداران اولیه در مقابل مسکوکات سپرده گذاری شده رسیدهایی به سپرده گذاران پرداخت می کردند که به مرور زمان به عنوان وسیله مبادله (پول) رواج یافت. حمل و نقل این رسیدهای کاغذی نسبت به مسکوکات فلزی هزینه های بسیار کمتری داشت. تا زمانی که حجم رسیدها (اسکناس ها) با حجم مسکوکات فلزی در بانک های اولیه برابر بود، این بانک ها ماهیت واسطه گری مالی خود را حفظ کرده بودند فیشر"، ۱۹۳۹، ص ۱۱). معتقد است که بانکداری سپرده های اولیه مبتنی بر اصل ۱۰۰٪ برابری ذخایر و رسیدهای منتشر شده بوده است و بانک آمستردام در قرن ۱۷ چنین رویه بانکی را دنبال می کرده است. این بانک دریافتی بود که در هر لحظه از زمان به اندازه پول بانکی که منتشر کرده، در صندوق بانک پول مسکوک داشته باشد.

تبدیل رسیدهای کاغذی به واسطه مبادله و رواج آن، بانک های اولیه را بر آن داشت که بیش از موجودی یا ذخیره مسکوک فلزی خود، اقدام به انتشار رسید اسکناس کنند. از این پس دیگر وام دهی بانک ها محدود به میزان سپرده یا وجوه تجمیع شده آنها نبود و بانک ها می توانستند در صورت وجود تقاضا اقدام به انتشار رسید (اسکناس کنند که همان کار کردهای پول های فلزی را داشت.

در این شرایط بانک‌ها ماهیت جدیدی پیدا کردند. بانک‌های جدید علاوه بر سپرده‌پذیری و وام‌دهی، پول (واسطه مبادله) اقتصاد را نیز خلق می‌کردند.

با توجه به ماهیت جدید بانک‌ها (امکان خلق پول و آثاری که انتشار یا خلق پول می‌توانست بر اقتصاد کشورها داشته باشد، برخی از صاحب‌نظران اقتصادی به دنبال تنظیم‌گری فعالیت‌های بانک‌های جدید بودند. در قرن ۱۹ در انگلستان، علاوه بر مسکوکات فلزی، از اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک‌های خصوصی و همچنین سپرده‌داری در مبادلات استفاده می‌شد. «مباحثه شمش‌گرایی» عنوانی است که به صورت سنتی به مجموعه مباحثاتی که درباره نظریه و سیاست پولی در انگلستان در سال‌های ۱۷۹۷ تا ۱۸۲۱ رخ داد، اطلاق می‌شود. شمش‌گرایان معتقد بودند علت اصلی وضعیت اقتصادی آن دوره انگلستان - افزایش نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش قیمت طلا - انتشار بی‌رویه اسکناس توسط بانک‌ها بوده است. بنابراین برای جلوگیری از انتشار بی‌رویه اسکناس توسط بانک‌ها، می‌بایست آنها را ملزم کرد که اسکناس‌های منتشر شده خود را در صورت تقاضای دارنده آن، به مسکوک طلا تبدیل کنند (لیدلر، ۱۹۹۲، ص ۲۵۵). الزام تبدیل اسکناس تا حدودی انتشار اسکناس یا خلق پول توسط بانک‌ها را محدود می‌کرد.

ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی

بر اساس آنچه در بخش دوم و سوم مقاله بیان شد، می‌توان گفت که تلقی اقتصاددانان مسلمان که آراء و نظریات آنها بررسی شد - از ماهیت بانک متعارف همچون تلقی بعضی از اقتصاددانان غربی، کامل نیست. اقتصاددانان مسلمان بانک متعارف را به عنوان یک نهاد واسطه مالی صرف در نظر می‌گیرند که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام خلق پول می‌کند. در رویکرد ضریب فزاینده بانک بخشی از سپرده‌هایی که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره بدست آورده است را به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را نیز تحت قرارداد قرض و در قبال دریافت بهره در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک متعارف، آنچه با آموزه‌های اسلام در تعارض قرار می‌گیرد، عقد قرارداد قرض مبتنی بر ربا است. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک است که بخش اعظم مطالعات بانکداری اسلامی معطوف به حذف ربا از ترتیبات بانکی شده است. بر این اساس در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان سپرده‌گذار و بانک و در سوی دیگر تسهیلات‌گیرنده با بانک، بانک بدون ربایا اسلامی خواهیم داشت. بانک بدون ربا یا اسلامی وکیل سپرده‌گذار است و شریک سرمایه‌گذار در عقود مشارکتی می‌باشد. این رویکرد مبنای تدوین قانون عملیات بانکداری بدون ربا قرار گرفته است. در این قانون تلاش شده است که فرایند تجهیز و تخصیص منابع بانکی تحت عقود شرعی قرار گیرد و هیچ اشاره‌ای به خلق پول بانک‌های تجاری و تنظیم آن نشده است. اما این تلقی از ماهیت و جایگاه بانک با آنچه بانک‌ها در واقعیت انجام می‌دهند تفاوت دارد. بر اساس رویکرد درونزا به خلق پول، بانک متعارف قدرت و امکان خلق پول به صورت مستقل را دارد و بخش اعظم نقدینگی اقتصاد را خلق می‌کند. حجم نقدینگی (M2) که مهمترین شاخص پولی حال حاضر ایران است - شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های بانکی - دیداری و غیر دیداری (سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار و سایر سپرده‌ها) می‌شود.

مروری بر مسأله خلق پول در اقتصاد اسلامی در حیطه مطالعات اقتصاد اسلامی

در مورد خلق پول و لزوم یا عدم لزوم نگهداری ذخایر قانونی در یک اقتصاد اسلامی، چهار نظریه وجود دارد که برخی از محققان راهکارهایی را نیز ارائه کرده‌اند.

عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی

بین اقتصاددانان مسلمان، برخی معتقدند که در بانکداری اسلامی، نگهداری ذخایر قانونی لازم نیست، زیرا با توجه به ممنوعیت بورس بازی و کنز در اقتصاد اسلامی، کنترل حجم پول در این نظام از طریق ذخایر قانونی ضرورتی ندارد، زیرا افزایش حجم پول از طریق افزایش سپرده‌ها در این نظام همواره به افزایش سرمایه تبدیل می‌شود که نه تنها عاملی منفی نیست، بلکه سازنده و مفید است. این به آن سبب است که کاهش ذخیره قانونی (بر سپرده‌های جاری با سرمایه‌گذاری این امکان را برای بانک فراهم می‌کند).

آورد که منابع بیشتری را از طریق عقود اسلامی به سرمایه تبدیل کند و با توجه به ممنوعیت بورس بازی و کنز، افزایش حجم پول همراه با افزایش سرمایه گذاری در بخش واقعی اقتصاد رخ می دهد، از این رو تورم زا نیست و آثار سوء افزایش حجم پول در اقتصاد سرمایه داری را به همراه ندارد (توتونچیان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸).

لزوم نگهداری صددرصد ذخایر برای سپرده های جاری

برخی اقتصاددانان در نقطه مقابل قرار گرفته اند و نگهداری صددرصد ذخایر قانونی برای سپرده های جاری را لازم می دانند (قحف، ۱۹۷۹، ص ۱۵۵، به نقل از الغریب، ۱۴۱۷ق: ص ۹۶؛ الجارحی، ۱۹۸۰، به نقل از همان: ص ۹۶؛ محسن خان، ۱۳۷۰، ص ۶۹ و ۷۰) از آن جمله اند. محسن خان، نگهداری صددرصد ذخیره قانونی برای سپرده های جاری را تجویز می کند و درباره سپرده های سرمایه گذاری به عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی معتقد است. برای دفاع از این قول به وجوه متعددی استدلال شده است؛ (حسنی و میر آخور، بی تا: صص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ مجموعه سخنرانی ها و مقالات ششمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۹۷؛ قلعاوی، ۱۹۹۶، صص ۱۷۳ و ۱۷۴). در یک نتیجه گیری، مجموع این وجوه به پنج وجه بر می گردد - امانت بودن سپرده ها: برخی معتقدند، سپرده های جاری نزد بانک امانت است و در امانت شرعا نمی توان تصرف کرد (ضیاء، ۱۹۹۷، صص ۶۰-۶۳). در مورد ماهیت سپرده های جاری اختلاف است. نظر غالب آن است که ماهیت سپرده های جاری، قرض شمرده می شود و بانک، مالک این سپرده هاست، بنابراین، تصرف در آنها شرعا اشکالی ندارد (برای تفصیل بیشتر به این مقاله مراجعه شود: فرزین وش و فراهانی فرد، ۱۳۸۱، صص ۳۲-۳۶). ۲- تأمین امنیت کامل سپرده ها: نگهداری صد در صد ذخیره در خود بانک تجاری یا در بانک مرکزی، امنیت کامل سپرده ها را در برابر احتمال هجوم سپرده گذاران به بانک در مواقع بحرانی تأمین می کند. ۳- کنترل عرضه پول: در صورت نگهداری صد در صد ذخیره قانونی، پایه پولی و حجم پول برابر و ضریب افزایش پولی برابر واحد می شود. بدین ترتیب، تأثیر بانک ها و مردم بر عرضه پول از بین می رود و عرضه پول تحت اختیار کامل بانک مرکزی قرار می گیرد. بانک مرکزی می تواند بر اساس نیاز اقتصاد، حجم پول را از طریق پایه پولی دقیقاً کنترل کند. برخی مانند رفیق یونس المصری می گوید: فقیهان و برخی اقتصاددانان (اقتصاددانان فرانسوی) معتقدند، عرضه پول باید در کنترل و انحصار کامل دولت باشد و مردم با بانک ها نباید هیچ نقشی در تعیین آن داشته باشند (یونس المصری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹۸).

وی در کتاب الاسلام و النقود (یونس المصری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۷) نظر فقیهان اهل تسنن را در باره این وظیفه به تفصیل نقل کرده است و در پایان می گوید: «عالمان تأکید کرده اند که پول چه خالص باشد و چه مغشوش، چه طلا و نقره باشد و چه غیر طلا و نقره، ضرب آن از وظایف حکومت است و بر غیر امام جامعه جایز نیست، زیرا افزایش یا کاهش عرضه پول، دارای آثار مهمی بر کل اقتصاد است، از این رو با مصالح عمومی ارتباط دارد و در اسلام، دولت حافظ و پاسدار مصالح عمومی است. بانک ها و همچنین یکایک مردم به فکر منافع خود هستند و مصالح عمومی را رعایت نمی کنند. از سویی، برای جلوگیری از دخالت بانک ها و مردم در عرضه پول، هیچ راهی جز الزام به نگهداری صددرصد ذخایر قانونی به نظر نمی رسد.

۴- کمک به ثبات اقتصادی، فریدمن معتقد است، صرف وجود ذخایر قانونی به بیشتر شدن شدت سیکل های اقتصادی کمک می کند. در آغاز وضعیت رکود، سپرده های اولیه کاهش می یابد. این موضوع در ادامه به کاهش حجم سپرده های مشتقه به تناسب نرخ ذخیره قانونی می انجامد و باعث انقباض پولی شدیدی می شود. این در حالی است که در وضعیت رکود، برای نشاط فعالیت های اقتصادی به انبساط پولی نیازمندیم. عکس این مسأله نیز در حالت رونق اتفاق می افتد. بنابراین، نگهداری ذخیره قانونی به مقدار صد در صد از تعمیق نوسانات و سیکل های اقتصادی جلوگیری و به ثبات اقتصادی کمک می کند (به نقل از: قلعاوی، همان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴). غسان قلعاوی استدلال مزبور را از فریدمن اخذ و برای نفی نرخ ذخیره قانونی در اقتصاد اسلامی به آن استناد می کند. ۵- کمک به تحقق عدالت اقتصادی، اموالی که به شکل سپرده های دیداری یا حساب های جاری نزد بانک ها جمع می شود، ملک مردم است و بانک ها برای این اموال، هیچ سودی نمی پردازند بنابراین یا باید با نگهداری صد در صد ذخیره قانونی بانک ها از سود ناشی از خلق پول محروم شوند یا با شروطی به آنان اجازه خلق پول داده شود که دو موضوع تضمین شود

۱- خلق سپرده های مشتقه با نیاز اقتصاد داخلی سازگار باشد و به تورم نینجامد. ۲- سودهای ناشی از خلق این سپرده ها به همه مردم بر گردد، نه به یک گروه خاص (قلعاوی: همان).

منذر قحف در کتاب مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی (۱۳۷۶) بیان می کند که انتشار پول توجه بیشتر نویسندگان را در زمینه اقتصاد اسلامی در ۲۵ سال گذشته به خود معطوف کرده است. این موضوع به عنوان یک عنصر حاکمیت سیاسی دولت در نظر گرفته شده است. اینکه دولت تنها مرجعی است که می تواند به انتشار پول بپردازد، در تفکر جدید اسلامی مورد اختلاف نبوده است. این مزیت نمی تواند تحت هیچ شرایطی به یک امتیاز تبدیل شود. انتشار اسکناس و ایجاد سپرده های دیداری نیز از وظایف این مرجع است. این واقعیت که بانک های تجاری بسته به قدرت عمومی، ثبات اقتصادی و اطمینان عمومی به نظام تنها می توانند سپرده های دیداری ایجاد کنند، خاطر نشان می کند که این فعالیت باید توسط دولت اداره شود و نه گروه خصوصی، به این دلیل که بانک ها واقعا چیزی را می فروشند که مالک آنها نیستند. علاوه بر این، اصل متداول در فقه اسلامی این است که هر چیزی که منافع توده ها را شامل شود، نباید در دست چند نفر قرار داشته باشد. وقتی نتوان آن را به جهت ماهیت یا سرمایه گذاری مورد نیاز در اختیار عموم قرار داد، لازم است تنها مختص دولت باشد، این اصل مبتنی بر فرمایشی از پیامبر (ص) است. بنابراین، بانک های تجاری مجاز به خلق پول نیستند و این فعالیت در انحصار دولت است. نشر پول، چه بر حسب اسکناس و مسکوک یا سپرده ها، نمی تواند تابعی از نرخ بهره باشد، زیرا بهره در نظام اسلامی وجود ندارد. پول رایج و اعتبار هر دو ابزار مستقیم سیاست اقتصادی هستند و هیچ کدام نباید به وسیله منافع یک گروه خاص تعیین شوند. در نظام اسلامی اعتبار و تأمین مالی، بانک های تجاری محروم شده از امتیاز خلق سپرده های دیداری، ملزم به کار بر مبنای صددرصد ذخایر هستند.

سیستم نسبت ذخیره قانونی جزئی

برخی دیگر از اقتصاددانان مسلمان معتقدند، نگهداری ذخایر قانونی در بانکداری اسلامی مانند بانکداری ربوی لازم است، زیرا همان علی که نگهداری ذخایر قانونی را در بانکداری ربوی توجیه می کند (امنیت سپرده ها و کنترل حجم پول)، در بانکداری اسلامی نیز وجود دارد و تفاوت های موجود بین دو نظام، سبب نفی ذخایر قانونی نمی شود. برخی از پیروان این گروه بین بانکداری سنتی و اسلامی هیچ فرقی در نرخ ذخیره قانونی نمی - گذارند (عفر، ۱۹۸۰، ص ۱۳۴ به نقل از الغریب، همان، ص ۹۶).

اما برخی دیگر معتقدند، نرخ ذخیره های قانونی در مقایسه با سپرده های سرمایه گذاری در بانکداری اسلامی باید از این نرخ در بانکداری سنتی کمتر باشد (الغریب، همان، صص ۹۵، ۹۶ و ۹۸)، زیرا بین این دو نوع بانکداری، دو اختلاف عمده وجود دارد؛ یکی اینکه حجم و وزن سپرده های جاری در مقایسه با کل سپرده ها در بانکداری اسلامی کمتر از بانکداری سنتی بوده و مسأله در غیر سپرده های جاری برعکس است و دوم آنکه تأمین مالی اسلامی دارای مشخصاتی مانند ماهیت کالایی و عینی داشتن، توازن بین جریان نقدی و

کالایی از جهت حجم و زمان و جهت، تأثیر پذیری از نتایج کنونی سرمایه گذاری از نظر سود و ضرر است و این مشخصات در تأمین مالی سنتی وجود ندارد یا به نحو ضعیف تری وجود دارد. این دو فرق سبب کاهش در جه نقدینگی این سپرده ها در بانکداری اسلامی می شود، از این رو، لازم است نرخ ذخیره قانونی کمتر باشد (همان).

سیستم نسبت ذخیره قانونی ویژه

عمر شایرا با در نظر گرفتن این ملاحظات، طرح جدیدی را برای منابع بانک های تجاری پیشنهاد می کند. وی که معتقد است تصور اقتصاد اسلامی بدون اخلاق فردی و اجتماعی اسلام و بدون تعاون و نظام همکاری برخاسته از اخوت اسلامی و بدون عدالت و رفع ظلم ممکن نیست (شایرا، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰۹)، می گوید: «در نظام اسلامی، اقدام بانک های تجاری به خلق سپرده ها به دو شرط پذیرفته است: ۱- اتخاذ تدابیر مناسب برای تضمین خلق سپرده های مشتقه مطابق با نیازهای اقتصاد مالی غیر تورمی و ۲- اینکه سود ناشی از سپرده های مشتقه به مصرف کل جامعه برسد، نه به صاحبان نفوذ» (همان، صص ۲۱۱ و ۲۱۲).

۵- ماهیت ذخایر قانونی در روش های تأمین مالی اسلامی اصطلاحی که در زمینه های تأمین مالی اسلامی در بین محققان اسلامی بسیار شایع شده است، عبارت «بانکداری اسلامی است. در جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس ساز و کارهای این نوع فعالیت مالی، قانون بانکداری بدون ربا تدوین شده است. قانون گذار در قانون عملیات بانکی بدون ربا برای اجتناب از پدیده ربا در خصوص تجهیز منابع، تعیین نرخ مشخص برای سپرده گذار را ممنوع و در مواد ۳، ۴، ۵ و ۶ قانون، نحوه تجهیز منابع توسط نظام بانکی را به صورت سپرده قرض الحسنه جاری و پس انداز) و سپرده های سرمایه گذاری مدت دار تعیین کرده است. همچنین در قانون بیان شده است که سپرده های سرمایه گذاری مدت دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین، مطابق قانون، بانک دار در بخش تجهیز منابع، باید از عقد وکالت استفاده کند. بانک و کیل مردم می شود تا با سپرده های ایشان فعالیت اقتصادی انجام دهد و بعد از برداشتن حق الزحمه خود، باقی مانده سود را بین سپرده گذاران تقسیم کند.

نتیجه گیری

سیاست های پولی مجموعه اقدام هایی است که بانک های مرکزی (سیاست گذاران پولی) به منظور کنترل فعالیت های اقتصادی جامعه به کار می برند، اگر چه اهداف مقطعی و کوتاه مدت سیاست های پولی، کنترل نقدینگی و کارایی هر چه بیشتر نظام بانکی است. سیاست های پولی با اثر گذاری بر عرضه پول و نرخ سود، بسیاری از اهداف اقتصادی مانند اشتغال، ثبات قیمت ها و رشد اقتصادی را متأثر می سازند. بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف اقتصادی به ابزارها و ساز و کارهایی نیاز دارد که به عنوان ابزارهای سیاست پولی تعریف می شوند. به طور معمول ابزارهای سیاست پولی به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند و از کانال های مختلفی مانند نرخ ارز، کانال اعتباری و ... بر اقتصاد کشور تأثیر می گذارند. مقام های پولی با استفاده از این ابزارها بر چگونگی مصرف پول در اقتصاد اثر می گذارند و حجم پول را در اقتصاد تغییر می دهند. نرخ ذخیره قانونی از جمله ابزار غیر مستقیم سیاست پولی است که می تواند به طور غیر مستقیم حجم پول را در اقتصاد تغییر دهد. بانک مرکزی با تغییر نسبت ذخیره قانونی حجم مصارف بانک ها به ویژه تسهیلات اعطایی و خلق اعتبار آنها را کاهش یا افزایش می دهد. در این مقاله به دنبال آن بودیم که تلقی اقتصاددانان مسلمان که در حوزه بانکداری اسلامی مطالعه می کنند، از ماهیت و نقش بانک در اقتصاد متعارف را تحلیل کنیم. ایشان در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده، ماهیت بانک متعارف را یک واسطه مالی در نظر می گیرند که منابعی را قرض می گیرد و آن را به افرادی دیگر قرض می دهد. بر این اساس مهمترین مشکل نظام بانکداری غربی پرداخت و دریافت بهره (ربا) در فرایند واسطه گری مالی است و لذا ایشان بخش مهمی از مطالعات خود را به این اختصاص داده اند که چگونه بهره را از عملیات بانکی حذف کنند و این نوع نگاه در قانون عملیات بانکی بدون ربا تبلور یافته است. بر اساس تحلیلی که از ماهیت بانک متعارف در بخش دوم مقاله شد، بانک تفاوت اساسی با نهادهای واسطه مالی دارد. مکی و دیگران (۲۰۱۶) در نشریه بانک مرکزی انگلستان بیان می کنند که بانک های متعارف قدرت و امکان خلق پول از هیچ را دارند و خلق پول بانک ها - آن چنان که در رویکرد ضریب فزاینده بیان می شود - متوقف بر جذب سپرده اولیه نیست. این ویژگی بانک ها را از نهادهای واسطه مالی متمایز می کند، چرا که نهادهای واسطه مالی برای سرمایه گذاری و یا ارائه تسهیلات، نیاز به جذب منابع دارند. اقتصاددانان مسلمان به دلیل اتخاذ رویکرد ضریب فزاینده به خلق پول که با ماهیت بانک به عنوان واسطه مالی یا واسطه وجوه سازگار است، به جای تحلیل خلق پول به عنوان یک موضوع مستقل، به تحلیل نرخ ذخیره قانونی و الگوی مطلوب آن پرداخته اند. بانک در نظام اقتصاد سرمایه داری، نهاد خلق پول درونی در اقتصاد است که این کارکرد مهم را از طریق وام دهی و خرید دارایی انجام می دهد. در حال حاضر نزدیک به ۹۵٪ حجم نقدینگی در ایران از طریق بانکها خلق شده است و بانک مرکزی تنها حدود ۵٪ نقدینگی را خلق کرده است. با توجه به اهمیت خلق پول بانک ها و آثار آن برای دستیابی به یک نظام بانکی اسلامی ضروری است، تلقی اقتصاددانان مسلمان نسبت به ماهیت بانک و کیفیت خلق پول تغییر کند و بانک متعارف به عنوان نهاد خلق پول در نظر گرفته شود و در ادامه

زنجیره ای از مطالعات درباره امکان خلق پول بانک ها در اقتصاد اسلامی و چگونگی تنظیم آن بر اساس معارف اسلامی صورت گیرد. در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت هر چه در فرآیند خلق پول به سمتی حرکت کنیم که بانک مرکزی این وظیفه حساس را بر عهده داشته باشد. شاهد زیان اجتماعی و بی ثباتی کمتری خواهیم بود. با توجه به آثار زیان بار بیان شده برای خلق پول سیستم ذخیره جزئی، در اقتصاد اسلامی خلق پول ابعاد محدودتری به خود می گیرد و این وظیفه باید بر عهده بانک مرکزی باشد.

فهرست منابع

الف) فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعاتی و سری های زمانی: www.cbi.ir.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارش های اقتصادی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۴)، «ارزیابی پایه های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، مجموعه سخنرانی ها و مقالات ارایه شده در ششمین سمینار بانکداری بدون ربا.
- داوودی، پرویز و محمدجواد محقق (۱۳۸۷)، «بانکداری محدود»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۰.
- داوودی، پرویز و حسین صمصامی (۱۳۸۷)، اقتصاد پول و بانکداری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- روانبخش، وحید (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر عرضه پول در اقتصاد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- قلی بگلو، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی سیاست پولی نسبت ذخیره قانونی و ارزیابی اثرات ترازنامه ای آن در شبکه بانکی کشور»، فصلنامه روند پژوهش های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹.
- قحف، منذر (۱۳۷۶)، مروری بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب مازار، سازمان برنامه و بودجه.
- ماجدی، علی و حسن گلریز (۱۳۶۸) پول و بانکداری نظریه ها و سیاست گذاری، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- مارکس، کارل (۱۳۶۳)، مبانی نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه باقر پرهام و احمد تدین، تهران، انتشارات آگه.
- مجاهدی موخر، محمد مهدی و دیگران (۱۳۹۰)، «مدل سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موريس آله»، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره پنج.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «الگوی ذخایر سپرده ای بانکی در بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- میشکین، فردریک (۱۳۸۴) پول و بانکداری، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسائیان، تهران، انتشارات سمت.

ب- عربی

- الجارحی، معبد (۱۹۸۰)، نحو نظام نقدی و مصرفی اسلامی، القاهرة، الاتحاد الدولي للبنوك الاسلاميه. شاپرا، محمد عمر (۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م)، نحو نظام نقدی عادل، القاهرة، المعهد العالمی للفكر الاسلامی. ضياء مجيد، (۱۹۹۷)، البنوك الإسلامیة، اسکندریة، مؤسسه شباب الجامعه.
- الغريب، ناصر (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م)، الرقابة المصرفیة علی المصارف الاسلاميه، منهج فکری و دراسة میدانیة دولیه مقارنه، القاهرة، المعهد العالمی للفكر الاسلامی. قحف، منذر (۱۹۷۹ م)، الاقتصاد الاسلامی، کویت، دار القلم قلعواوی، غسان (۱۹۹۶)، المصارف الاسلاميه ضروره عصريه لماذا ...؟ و كيف ...؟، دمشق، دار المکتبی.
- یوسف کمال، محمد (۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م)، فقه الاقتصاد النقدي، دارالصابونی دارالهدایه. یونس المصری، رفیق (۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م)، بحوث فی الاقتصاد الاسلامی، الأولى، سوریه، دارالمکتبی.

ج) لاتین

- Fisher, Irving (1934c), "The 100% System and Bank Credit", American Banker, Vol. 2.
- Friedman .M (1969), The Optimum Quantity of Money and Other Essays, Chicago, Aldine.
- Phillips, Ronnie J (1992), "Credit Markets and Narrow Banking, Annual meetings of the Eastern Economics Association", New York City, Working Paper No. 77
- Phillips, Ronnie .J (1994), "The Chicago Plan and New Deal Banking Reform", New York, M.E. Sharping.
- Siddiqi, Mohammad Nejatullah (1988), Banking Without Interest. Islamic Foundation (UK).
- Simons, H. C. (1936), "Rules Versus Authorities in Monetary Policy", The Journal of Political Economy, Vol. 44.
- Simons. Henry (1935), "Review: Lauchlin Currie, The Supply and Control of Money in The United States", Journal of Political Economy, Vol. 63.
- Wicksell, K. (1907), "The Influence of The Rate of Interest on Price", The Economic Journal, Vol. 17.